

سطوح تفاوت دیدگاه غرب و اسلام در بیان مرزهای آزادی با توجه به تمدن نوین اسلامی

سمیه عرب¹

چکیده

این نوشتار با عنوان «سطوح تفاوت دیدگاه غرب و اسلام در بیان مرزهای آزادی با توجه به تمدن نوین اسلامی» و با هدف شناخت و تطبیق سطوح دو دیدگاه غرب و اسلام در بیان و تعیین مرزهای آزادی با توجه به تمدن نوین اسلامی، و نمایان کردن سطوح پنهان، خشن و سرکوبگر حاکم بر غرب در تعیین مرزهای آزادی، شکل گرفت. شناخت سطوح واقعی در تعیین مرزهای آزادی در اسلام و غرب و معرفی صحیح آن به مردم و به ویژه جوانان یکی از مهم‌ترین راههای مقابله با تهاجم ناتوی فرهنگی خواهد بود. از این رو این پژوهش با روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار معتبر کتابخانه‌ای و رایانه‌ای سامان یافت.

نتایج و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برخلاف آنچه که به دروغ تبلیغ می‌شود، آزادی در غرب در واقع اسارت و بردگی در قوای حیوانی مانند: خودپرستی، دنیادوستی، شهوترانی و نظایر آن است که در نهایت منتهی به اسارت انسان غربی در دام زرسالاران یهود که به نام صهیونیسم بین‌الملل از آن یاد می‌شود، خواهد شد.

کلیدواژه: آزادی، اسلام، تمدن نوین اسلامی، غرب

مقدمه

غرب در این پژوهش اشاره به مکان جغرافیایی، بلوک اقتصادی، سازمان دفاعی و مانند آن ندارد، بلکه مراد از غرب فرهنگ مادی انسان‌محور سکولار است. پس می‌تواند فردی در «تهران» و یا در قلب «قم» خواسته یا ناخواسته دیدگاهش به جهان این‌گونه باشد. یعنی دارای جهان‌بینی باشد که در این پژوهش از آن به عنوان دیدگاه غرب یاد می‌شود.

دیدگاه اسلام با تخصیص تمدن نوین اسلامی، که مطالبه‌ی اصلی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است، دیدگاهی الهی و خدامحور و برخاسته از اسلام ناب علوی است. اسلام ناب علوی،

1. طلبه سطح دو حوزه علمیه ریحانة الرسول، تهران.

اسلامی است که در آن پذیرش و اطاعت از ولی فقیه واجد شرایط به عنوان نماینده‌ی عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در امتداد پذیرش و اطاعت از خدای متعالی، پیامبر و امامان معصوم (سلام الله علیهم) بایسته و ناگزیر است. تفاوت سطح این دو دیدگاه، در کوتاه‌ترین عبارت سخن گرانیه‌ای سیدالشهدا اباعبدالله حسین (علیه السلام)، در عصر عاشوراست: «اگر دین ندارید، دست‌کم آزاده باشید.» یعنی در حالی که دیدگاه غرب، منتهای خواست و آرزوی فرد را آزادی می‌داند، دیدگاه اسلام ناب علوی، مطالبه‌ی آزادی را مطالبه‌ی دست‌پایین و حداقلی بر می‌شمارد. این دیدگاه سقف آرزویش رسیدن به آزادی نیست بلکه کف انتظارش از انسان موحد، آزاده بودن است. از این‌روی می‌تواند فردی در پاریس، لندن و یا در قلب نیویورک زاده و ساکن باشد، اما دیدگاهش، دیدگاه اسلام ناب علوی باشد.

تفاوت دیگر این دو دیدگاه در بحث مفهوم آزادی، بر اساس جهان‌بینی هریک از دو دیدگاه، در تعریف زندگی انسان نهفته است. در حالی که دیدگاه غرب اصالت را به انسان و زندگی این دنیا می‌دهد و مرادش از آزادی رسیدن هرچه بیشتر انسان به تمایلات شهوانی و دنیوی است. دیدگاه اسلام ناب علوی اصالت را به رضایت خدای سبحان و زندگی اخروی داده و این دنیا را مرحله‌ی تلاش برای رسیدن به رستگاری مادی و معنوی در آخرت می‌داند. در حقیقت انسان موحد آزادی کامل و پایدار و بی‌حد و حصر را در آخرت جستجو می‌کند و رسیدن به آن را در این دنیا محال می‌داند. تفاوت این دو دیدگاه نمایان‌کننده‌ی سطح تفاوت دو دیدگاه در تعیین حدود و مرزهای آزادی انسان است.

از این‌رو این پژوهش در نظر دارد که با روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع و حیاتی و ابزار معتبر کتابخانه‌ای و رایانه‌ای به ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به «سطوح تفاوت دیدگاه غرب و اسلام در بیان مرزهای آزادی با توجه به تمدن نوین اسلامی» پرداخته و این تفاوت‌ها را فراخور وسعت یک مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

اهمیت و ضرورت شناخت تفاوت دیدگاه غرب و اسلام در بحث آزادی و مرزهای آن، در هنگامه‌ی جنگ تمدن‌ها میان تمدن مادی غرب و تمدن الهی جهان اسلام و شیخون ناتوی فرهنگی، نمایان‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. همین اشاره کافی است که بسیاری از مشکلات فرهنگی، اجتماعی، فردی و خانوادگی دنیای اسلام رسوخ خواسته یا ناخواسته‌ی این دیدگاه در نزد مسلمانان و به ویژه جوانان است. همچنین راهنمایی و هدایت توده‌های مردمی و به ویژه جوانان در خارج از مرزهای کشور و جهان اسلام، از وظایف ذاتی هر مسلمان است، که بدون شناخت این دو دیدگاه و تفاوت‌هایشان امکان‌پذیر نمی‌باشد.

پیشینه‌ی بسط مفهوم آزادی و حدود آن به قرآن و سنت پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) و امامان معصوم (علیهم السلام) بازمی‌گردد. مطالعه‌ی تطبیقی مفهوم و حدود آزادی میان اسلام و غرب، عمدتاً پس ورود غربزدگان تحصیل کرده در غرب و از طرف هر دو طبقه‌ی غربزده و اسلامگرا شروع شد. اما این مطالعه‌ی تطبیقی با توجه به آرمان‌های گام دوم انقلاب و تمدن نوین اسلامی پیش‌بینی شده در آن کاری جدید است که سابقه‌ای برای آن توسط نگارنده یافت نشد. اما از مطالعات مربوط به تفاوت دو دیدگاه غرب و اسلام در مورد آزادی می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد.

* مقاله: «آزادی از نظر اسلام و غرب»، نویسنده: علی خامنه‌ای.

* مقاله: «آزادی از نظر اسلام و غرب»، نویسنده: علی محبی.

* مقاله: «تفاوت آزادی اسلامی و آزادی غربی»، گردآورنده: زهرا انصاری نسب.

* مقاله «بررسی مفهوم آزادی از دیدگاه اسلام و مقایسه‌ی آن با مفهوم آزادی از دیدگاه غرب»، نویسندگان: فروزان ضرابیان و حسن شمسایی.

امتیاز این پژوهش همان‌طور که اشاره شد تاکید بر آرمان بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تشکیل تمدن نوین اسلامی در این مطالعه‌ی تطبیقی است. از این‌رو برای شناخت و بررسی «سطوح تفاوت دیدگاه غرب و اسلام در بیان مرزهای آزادی با توجه به تمدن نوین اسلامی»، این پژوهش در یازده محور کلی سامان یافت. در محور اول به کلیات بحث و در محور دوم به مفهوم «مفاهیم» کلیدی مرتبط با پژوهش پرداخته شد. در محور سوم به «موانع آزادی»، محور چهارم «تقسیم‌بندی‌های آزادی»، محور پنجم «مرزهای آزادی»، محور ششم «ارزش‌ها و مقدسات»، محور هفتم «حاکمان واقعی غرب»، محور هشتم «جلوه‌های مختلف آزادی»، محور نهم «در بیان مرزهای آزادی در غرب»، محور دهم «در بیان مرزهای آزادی در اسلام» و سرانجام بحث به محور یازدهم در «مقایسه و نتیجه‌گیری» اختصاص یافت.

برای نوآوری در این نوشتار تلاش شد، تا پژوهش پیش‌رو تنها در گردآوری آرای دیگران خلاصه نشود، بلکه با عبارت «به اعتقاد نگارنده» برداشت‌ها و نظرات نگارنده که گاه‌ها احتمالا، ممکن است حاوی مطلب جدیدی در موضوع بحث باشد، اقدام به تولید محتوایی جدید کند.

1. مفاهیم واژگان

1.1. مفهوم واژه «آزادی»

أ. مفهوم واژه «آزادی» در لغت:

آزادی در لغت به معنای: رهایی، اختیار عمل، قدرت در عمل یا ترک عمل و قدرت انتخاب است. (دهخدا 1377: ذیل واژه آزادی)

یافته‌های نگارنده حاکی از آن است که واژه «آزاد» متشکل از (آ + زاد) است. پیشوند «آ» در پارسی باستان معنای نفی می‌دهد. گویا به زنی که به سن یائسگی می‌رسد و دیگر امکان زاد و ولد نداشته، (آ+زاد) می‌گفته‌اند. از آن‌جا که چنین زنی از مشکلات حاملگی و زایمان رها می‌شده و همچنین احتمالا به علت بالا رفتن سن در مورد مسائل حجاب و خروج از خانه، نسبت به او سخت‌گیری نمی‌شده است، (همانند دستوراتی که در این باب در اسلام موجود است). به تدریج این لغت در معنای رهایی و سپس اختیار عمل استعمال شده است. این یافته از کتاب مشخصی به دست نیامده، بلکه تنها نظر نگارنده بر اساس دستور زبان پارسی باستان است. این نظر احتمالا می‌تواند از نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو باشد.

ب. مفهوم واژه «آزادی» در اصطلاح:

آزادی در اصطلاح علوم مختلف، دارای معانی مختلف و متفاوتی است.

آزادی در علوم اجتماعی عبارت از «برخورداری مردم از حق انتخاب در تعیین: سرنوشت خود، قانون، حاکمان و بیان انتقاد است.» (جعفری‌لنگرودی 1374: 30-34)

همچنین آزادی را استقلال رای و عمل و بیان نیز دانسته‌اند. (روسو 1358: 239)

آزادی «فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان» است. (مطهری 1377: 14)

در دین، آزادی عبارت از «رهایی از سلطه و یوغ هرکس و هر چیز به غیر از خدای متعالی است». (طباطبایی 1387، 1/ 50-53)

آزادی «آزادسازی انسان از زنجیرهای اسارت‌های درونی» است. (عمید زنجانی 1388: 418)

1.2. مفهوم واژه «تمدن»

أ. مفهوم واژه «تمدن» در لغت:

تمدن واژه‌ای عربی و معادل واژگان «الْمَدَنِيَّة»، «الْحَضَر»، «الحضارة» است. (طیبیان 1378: 492)؛ مدنیت و تربیت‌پذیری یک جامعه را تمدن گویند. (حییم ۱۹۹۵م: ۱۱۷)؛ این واژه در فرهنگ‌نامه‌های فارسی به معنای «شهرنشینی»، «فرهنگ»، «تربیت» و «ادب» است. (دهخدا ۱۳۷۷/ ذیل واژه تمدن)؛ همچنین به معنای «شهرنشین شدن»، «همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت» است. (معین 1386: 1/ 613؛ عمید ۱۳۸۹: ۱/ ۵۳۰)؛ ابن خلدون تمدن را معادل با واژه «عمران» دانسته و از آن به عمران «حضری» نام برده است. از این‌رو دانشمندان معاصر نیز از واژه «حضاره» به معنای تمدن، در مقابل «بداهه» استفاده می‌کنند. او در تعریف تمدن می‌گوید: «إن الحضارة هي أحوال عادية زائدة على الضروري من أحوال العمران. إن الحضارة غاية العمران و نهاية عمره و أنها مؤذنة بفساده» (ابن خلدون ۱۹۶۰م: ۱/ ۶۵۶) پس از نظر ابن‌خلدون، تمدن احوالات موثر انسان در شکل دهی جامعه (همان: 183/1 و 41-43) در طی تبدیل زندگیش از حالت بدوی به شهرنشینی است. در زندگی بدوی انسان تنها به دنبال رفع حوایج ضروری برای زنده ماندن است، اما در مرحله‌ی شکل‌گیری و شکوفایی تمدن، انسان به تدریج به فرهنگ و گسترش آن و سپس به دنبال کسب لذت‌های غیر ضروری و تجملی در زندگی خودش است. پس از دیدگاه او شروع تمدن نقطه‌ی پایان زندگی بدوی در انسان است. (همان: 122/1 و 368؛ و دغیم 2000م: 307)؛ خواجه نصیرالدین طوسی تمدن را محل اجتماع صنف و فرق مختلف و ضروری زندگی اجتماعی در یک مکان می‌داند: «چون وجود نوع، بی معاونت صورت نمی‌بندد و معاونت، بی اجتماع محال است، پس نوع انسان بالطبع محتاج بود به اجتماع، و این نوع اجتماع را [که] شرح دادیم، تمدن خوانند و تمدن مشتق از مدینه بود و مدینه، موضع اجتماع اشخاص که به انواع حرفه‌ها و صناعت‌ها، تفاوتی که سبب تعیش بود، می‌کنند.» (طوسی 1387ق: 251)؛ نظم اجتماعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و شکوفایی معرفت، از تعاریف دیگر تمدن، معرفی شده است. (دورانت ۱۳۹۶: ۱/ ۱۹)؛ علامه جعفری، تمدن را شکل‌گیری، گروهی از انسان‌ها در زندگی عاقلانه در سایه روابط عادلانه و مشترک برای تمام افراد و گروه‌های جامعه برای دستیابی و پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان در جهت رسیدن به رستگاری دانسته است. (جعفری 1359: 162) البته به نظر می‌رسد که این تعریف، یک تعریف آرمانی است و بیشتر از آن‌که تعریف تمدن باشد، تعریف مدینه‌ی فاضله است.

ب. مفهوم واژه «تمدن» در اصطلاح:

تمدن در اصطلاح عبارتست از «مجموعه‌ی پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، حاوی جهات مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه‌ی وسیع و یا چندین جامعه‌ی مرتبط با یکدیگر است.» (بیرو 1380: ص47)؛ در قرآن کریم از عبارت «آثار ا فی الارض» برای اشاره به تمدن استفاده شده است. این آثار بشری اعم از پیشرفت‌های فرهنگی و یا صنایع کشاورزی و ساختمان و شهرسازی و ... باشد. (طباطبایی 1376: 496/17؛ و مکارم 1372: 70/20)

1.3. مفهوم واژه «تمدن نوین اسلامی»

منظور از واژه «تمدن نوین اسلامی» در این پژوهش، آرمانی قابل دسترسی است که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب به آن اشاره شده است. بر این اساس تمدن نوین اسلامی در امتداد انقلاب اسلامی و تمدنی در چهارچوب آموزه‌های اسلام ناب بوده که مولفه‌های تشکیل و رشد و سیادت آن در مقررات و قواعد دین، اخلاق، عدالت و علم است. از شاخصه‌های این تمدن استقلال، آزادی، همبستگی و وحدت ملی، یکپارچگی و امنیت داخلی، بردباری، خردورزی و عدالت فردی و اجتماعی و ... است. (ر.ک: بیانیه گام دوم انقلاب، 1397/11/22).؛ مقام معظم رهبری درباره‌ی معنا و چیستی «تمدن نوین اسلامی» می فرماید: «تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه می باشد، اگر ما به دنبال یک مصداق عینی و خارجی برای درک معنای تمدن نوین اسلامی باشیم می توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می باشد.» (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، 1391/7/23).

«[یک بخش] بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است، وسیله است. [بخش دوم:] اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است مثل مساله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و...؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. (همان)؛ در حقیقت رهبری تعریف کاملی از تمدن ارائه می‌کنند. رهبری تمدن نوین اسلامی را همکاری اجتماعی باورمندان به اسلام ناب جهت دستیابی پیشرفت‌های مادی به عنوان ابزاری برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی که از آن به حیات طیبه یاد می‌شود، می‌داند.

1.4. مفهوم واژه «اسلام»

منظور از واژه «اسلام» در این پژوهش دیدگاه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و آله و سلم) بوده، که مبتنی بر اصل مترقی ولایت فقیه است.

1.5. مفهوم واژه «غرب»

محدود کننده‌ی آزادی نمی‌بینند، بلکه باور دارند که محدودیت‌های دین مرزهای نجات انسان از دام‌های بردگی است.

در جهان بینی اسلام زندگی محدود به این جهان نیست، بلکه زندگی یک جریان است دائمی تا ابد است که پس از این دنیا ادامه دارد. این مرحله از زندگی، مرحله‌ی آمادگی و تمرین برای رسیدن به آزادی و یا زندان ابدی در دنیا دیگر است. یعنی بر اساس این دیدگاه انسانی که برده‌ی ارباب متفرق این دنیا می‌شود، در آن دنیا نیز اسیر همین ارباب متفرق است و امکان استفاده از آزادی بی حد و حصر و بی انتهای آن دنیا را ندارد. اما انسانی که برده‌ی رب بی‌نیاز می‌شود، نه تنها در این دنیا از اسارات امیال و شیاطین جن و انس آزاد است، بلکه این آزادی او را به آزادی واقعی و نهایت آزادی می‌رساند. کسی که از خودپرستی رها و آزاد گشته، هرگز خود را بالاتر از دیگران نمی‌داند، پس به دیگران ظلم نمی‌کند، این یعنی به آزادی دیگران تجاوز نمی‌کند. کسی که از دنیاپرستی رها و آزاد گشته است. هرگز برای کسب مال دنیا حق دیگران را در هیچ زمینه‌ای ضایع نمی‌کند. یعنی به آزادی دیگران تجاوز نمی‌کند.

این فرد در بخشش به دیگران، ترسی ندارد چون از دلبستگی به مال دنیا آزاد است. یعنی با بخشش مال به دیگران به ایشان کمک می‌کند که تا در حد خودش، از فقر و نداری و احتیاج آزاد و رها شوند. کسی که از میل جنسی رها و آزاد گشته، هرگز به دنبال برده‌های جنسی نخواهد بود. هرگز به دنبال فریب افراد برای ارضای میل جنسی خود نخواهد بود.

کسی که از میل قدرت طلبی آزاد گشته، دیگران را به بردگی نخواهد کشید. برای حفظ قدرت و یا ارتقاء آن با ظالم همکاری نخواهد کرد. یعنی نه خود برده‌ی کسی می‌شود و نه به دیگری برای برده کردن دیگران کمک می‌کند و این به معنای آزادی است.

چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران، ترسیم شده است. در این بیانیه، در بیان مرزهای آزادی آمده است: «آزادی نباید در تقابل با اخلاق، قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.» (خامنه‌ای 1397: بیانیه گام دوم)

منظور از حقوق عمومی، همان نظم عمومی و آزادی‌های مشروع سایر افراد است. مراد از قانون نیز قانونی است که مطابق با وحی و عقل وضع شده باشد. ارزش‌های الهی، همان وحی مندرج در آیات قرآن کریم و سنت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) است. اخلاق نیز صفات نیکویی است که پشتوانه‌ی ارزشمندی آن صفات، وحی، سنت و یا عقل و عرف است.

10. مقایسه و نتیجه گیری

در انتهای بحث، و با توجه به مطالب ذکر شده، می‌توان گفت که در دیدگاه غرب، علاوه بر سطوح پنهان تعیین کننده‌ی مرزهای آزادی، که پیش‌تر گفته شد. سطح نمایان تعیین کننده‌ی آزادی عبارت است از: ا. عرف؛ ب. آزادی‌های دیگران؛

بنابراین، وظیفه‌ی قانون‌گذاران در غرب، کشف عرف رایج و همچنین رفتارهایی است که مخل آزادی دیگران است. از مهم‌ترین رفتارهای مخل آزادی دیگران، زیر پا گذاشتن نظم عمومی است.

اما در دیدگاه اسلام، سطوح پنهان وجود ندارد. مرزها توسط سطوح کاملاً آشکار تعیین می‌گردند. این سطوح عبارتند از: أ. وحی؛ ب. عقل؛ ج. اخلاق؛ د. عرف؛ هـ. آزادی‌های دیگران؛

مراد از وحی، آیات قرآن کریم است. منظور از عقل، همان پیامبر درونی است که حکمش با وحی و اخلاق در یک راستا است و هرگز در معنای عقل مکار و فریبکار نیست. عقل و وحی مکمل یکدیگر هستند. وحی به امور کلی و نکاتی می‌پردازد که گاهی خارج از دسترس عقل است و یا امکان خطای عقل در مورد آن زیاد است. مراد از عقل، وحی و اخلاق در عمل، سنت پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) است. عرف یک عامل مستقل نیست، بلکه بیش‌تر در تعیین مصادیق استفاده می‌شود.

بنابراین در غرب «ازدواج با خود»، قانونی است و اجرا می‌شود، چون برخلاف عرف و یا مخل آزادی دیگران نیست، اما در اسلام قانونی نیست و فرد مجاز به انجام آن به شکل رسمی نیست، زیرا مخالف عقل است. اساس عقد ازدواج بر ایجاد «محرمیت» میان دو جنس مخالف و تعیین حدود آن است. انسان با خودش نامحرم نیست که با ازدواج با خودش محرم شود و یا خودش از خودش نفقه بگیرد و یا خودش وارث خودش شود و ..؛ همچنین است، در آزادی ازدواج با حیوانات و ازدواج با همجنس و ...

ازدواج با هم جنس در اسلام هم مخالف صریح وحی و هم مخالف صریح عقل است. زیرا عقلاً یکی از نتایج مورد انتظار از ازدواج تولید مثل برای حفظ بقا و برای حفظ جامعه است. اموری این‌چنینی در فرهنگ غرب ضمن سست کردن پایه‌های خانواده، موجب کاهش زاد و ولد در جوامع و پیری و کاهش جمعیت جدی شده است.

کتابنامه

* قرآن الکریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: پیام، 1388.

* نهج البلاغه، سید رضی، ابوالحسن محمد، ترجمه و شرح: دشتی، محمد، قم: نشتا، چ 16، 1392 ق.

* «بیانیه گام دوم انقلاب»، خامنه‌ای، علی، 1397/11/22.

ابن خلدون، عبدالرحمن، «المقدمة»، بیروت: دارالکتاب، ۱۹۶۰ م.

- انصاری‌نسب، زهرا، مقاله: «تفاوت آزادی اسلامی و آزادی غربی».
- برلین، آیزا، «چهار مقاله درباره آزادی»، موحد، تهران: خوارزمی، 1380.
- «آزادی و خیانت به آزادی»، فولادوند، تهران: ماهی، 1386.
- بیرو، آلن، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ساروخانی، چ4، تهران: کیهان، 1380.
- توفیقی، حسین، «آشنایی با ادیان بزرگ»، تهران: طه، ۱۳۸۵.
- جعفری، محمدتقی، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، 1359.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، «ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج-دانش، 1374.
- حییم، سلیمان، «فرهنگ معاصر»، ویرایش 4، تهران: فرهنگ معاصر، 1955م.
- خامنه‌ای، علی، مقاله: «آزادی از نظر اسلام و غرب».
- دغیم، سمیع، «موسوعة مصطلحات العلوم الاجتماعية والسياسية»، بیروت: ناشران، ۲۰۰۰ م.
- ذهبی، محمدحسین، «الاسرائیلیات فی التفسیر والحديث»، چ2، دمشق: دارالایمان، 1405 ق.
- دورانت، ویلیام‌جمیز، «تاریخ تمدن»، تهران: علمی و فرهنگی، 1396.
- دهخدا، علی‌اکبر، «لغت‌نامه دهخدا»، چ2، تهران: دانشگاه تهران، 1377.
- روسو، ژان ژاک، «قرارداد اجتماعی»، زیرک‌زاده، تهران: چهر، 1358.
- شهبازی، عبدالله، «زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران»، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1383.
- ضرابیان، فروزان و دیگران، مقاله: «بررسی مفهوم آزادی از دیدگاه اسلام و مقایسه‌ی آن با مفهوم آزادی از دیدگاه غرب».

طباطبایی، محمدحسین، «المیزان»، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

..... «بررسی‌های اسلامی»،
قم: بوستان کتاب، 1387.

طباطبایی موتمنی، منوچهر، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»،
تهران: دانشگاه تهران، 1370.

طیبیان، حمید، «فرهنگ فرزنان فارسی - عربی»، تهران:
فرزان، ۱۳۷۸.

طوسی، نصرالدین، «اخلاق ناصری»، چ 6، تهران: خوارزمی،
تهران، 1387ق.

عمید، حسن، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران: اشجع، 1398.

عمید زنجانی، عباسعلی، «مبانی اندیشه سیاسی اسلام»، چ 7،
تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388.

قادری‌کنگوری، روح‌الله، «جنبش 99 درصدی اشغال وال-
استریت (ماهیت و پیامدها)»، تهران: مرکز اسناد انقلاب
اسلامی، 1395.

قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای
سیاسی»، تهران: میزان، 1395.

کوهن، کارل، «دموکراسی»، مجیدی، تهران: خوارزمی، 1374.

گلیسچینسکا-گرابیاس، الکساندرا، مقاله: «مجازات‌های انکار
هولوکاست: نمایی از اروپا»، پژوهشگر مرکز حقوق بشر
«پوزنان» لهستان، به نقل از شماره 8703، روزنامه همشهری،
مورخ دوشنبه 10 بهمن 1401.

مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، تهران: دارالکتب
الاسلامیه، 1389.

محبی، علی، مقاله: «آزادی از نظر اسلام و غرب».

محمدی ری‌شهری، محمد، «میزان الحکمة»، قم: دار الحدیث،
1395.

مطهری، مرتضی، «گفتارهای معنوی»، چ 18، تهران: صدرا، 1377.

معین، محمد، «فرهنگ معین»، تهران: زرین، 1386.

مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج 11، قم: دارالکتب
الاسلامیه، 1372.

..... «کتاب النکاح»، قم:
مدرسه امام علی (ع)، 1382.

منتظر قائم، مهدی، «آزادی سیاسی، حکومت اسلامی»، تهران، سال
دوم، شماره 1، بهار 1376.

هوردرن، ویلیام، «راهنمای الهیات پروتستان»، میکائیلیان،
تهران: علمی و فرهنگی، 1368.